

دانشورزی، نامی به گستردگی دانش و پیشه کتابداری

محمد دشتی نیشابوری¹

چکیده

دانش و حرفه کتابداری در عصر حاضر دچار تحولی شگرف شده است، به گونه‌ای که دیگر نام این دانش یعنی کتابداری با عنایت به معنای لغوی و سنتی‌اش به تدریج رسایی خود را از دست داده. از این رو شایسته است در پرتو تغییرات فراوانی که در این حوزه علمی رخ داده است نامی به گستردگی دامنه‌اش بر آن نهاده شود.

در این گفتار امتیازهای گزینه «دانشورز» به تفصیل شرح داده شده. کلیدواژه‌ها: خازن‌الکتب، خزانه‌الکتب، دارالکتب، کتابدار، کتابداری، کتابدار راهنما، کتابدار محقق، کتابشناس، علم اطلاع‌رسانی، شبکه گسترده کتابخانه‌های آستان قدس رضوی، دانشور، دانشورز

مقدمه

تغییر و تحول با گوهر هستی عجین شده است و جلوه‌های این قانون فراگیر در عالم انسانی و آنچه از وجود او نشأت می‌گیرد، از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. آدمی در حوزه کوچک و تنگ وجود مادی خود گرفتار تغییرات مادی، و در حوزه بیکران و بی‌انتهای وجود معنوی و روحانی‌اش در بند تحولات روزافزون معنوی است.

یکی از ده‌ها ویژگی بشر که به او امتیاز خاص می‌بخشد قدرت آفرینندگی است، و زبان و کلمه بارزترین و کارآترین آفریده آدمی است که هر روز در معرض تحول تازه‌تری است.

در عصر حاضر به تناسب تغییرات اساسی در زندگی بشر، نیازهای فراوانی به مجموعه خواسته‌های او افزوده شده است. علوم و فنون بسیاری به منظور برآوردن این نیازها پدید آمده‌اند که پیش از این وجود خارجی نداشته‌اند یا اگر هم بوده، چنانکه اینک هست نبوده‌اند.

از جمله این علوم می‌توان به «کتابداری» اشاره کرد. اگر چه تاریخ کتاب و کتابخانه‌ها به هزاران سال پیش ریشه می‌دواند، اما علم کتابداری پدیده‌ای است نو، که عمری کمتر از صد سال دارد.

کلمه «کتابدار» نیز در حوزه اصطلاحات شغلی زبان فارسی، کلمه‌ای است که اگر نگوییم در دوران طفولیت، هنوز در دوران نوجوانی به‌سر می‌برد.

مقصد ما در این گفتار آن است که ضمن تشریح ویژگی‌های این کلمه که نام یک پیشه مقدس فرهنگی است، کلمه‌ای جدید را به پیشگاه نظر دانشوران و دانش‌پژوهان عزیز تقدیم کنیم.

¹. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی نیشابور و مشاور تالار محققان کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

کتابداری در گذشته

کتابدار مرکب است از کلمه «کتاب» + پسوند «دار» که دلالت بر دارندگی می‌کند؛ مانند کلمه «پولدار». به کتابدار در زبان عربی «خازن‌الکتب» می‌گویند، لفظی که تا چندی پیش از این در کتابخانه‌های سنتی ایران هم معمول و رایج بود. به این بیت شعر توجه کنید:

او را به خازنی کتب کردی اختیار کت رای خسروانه قوی اختیار باد
کرد افتخار بر همه اقران بدین شرف کت بر همه ملوک جهان افتخار باد^۲

از پسوند «دار» گاهی معنای نگهبانی و گاهی انبارداری نیز مستفاد می‌شود؛ مانند: راهدار، خزانه‌دار، تحویلدار.^۳

کلمه «خازن» در قرآن کریم نیز به کار رفته است «ما انتم لها بخازنین»^۴.

اصطلاح «خازن‌الکتب» به دو معنا به کار می‌رفته است، کتابدار و مدیر کتابخانه.^۵

به این جمله دقت کنید: «سلاطین صفویه اهمیت کتابخانه را به حدی می‌دانستند که همواره یک نفر از علمای برجسته زمان را به عنوان «خازن‌الکتب» تعیین و اشراف می‌دادند»^۶.

اما این نکته مهم قابل ذکر است که در قدیم به دلیل فقدان آموزش رسمی و فراگیر، نبودن نهادهای فرهنگی، و بسیاری از مشکلات و کاستی‌ها (نظیر کمبود و گرانی ابزار نوشتن، دشواری نگهداری نوشته‌ها از آفات مختلف و متنوع، متکثر نبودن موضوع‌های علمی، و ده‌ها نکته مشابه) بیشترین تلاش قدرتمندان و ثروتمندان دانش دوست صرف گردآوری و نگهداری و حفظ کتاب‌ها و نوشته‌ها می‌شده است.

پس ملاحظه می‌شود که مفهوم کتابدار در آن زمان با مفهوم انباردار و خزانه‌دار نزدیکتر بوده است تا مفهوم امروزی آن.

در دوران‌های گذشته، کسانی که سروکارشان با کتابخانه‌ها بود، اگرچه زیاد نبودند اما غالباً اهل علم و درایت و صاحب آثار و تألیفات برجسته‌ای بودند.

در سده‌های گذشته واژه‌های دانشمند، کتابشناس، خازن‌الکتب از کاربردهای مشابهی در رابطه با کتابخانه‌ها برخوردار بودند. چنانکه «ابن سینا» زمان کوتاهی را که کتابدار کتابخانه «نوح بن منصور سامانی» بود، دوره پرافتخار زندگی خود نامید، و شادروان پروین اعتصامی شاعر شهیر معاصر کشورمان در سال ۱۳۱۵ شمسی به سمت کتابدار در دانشسرای عالی مشغول به کار شده بود.^۷

کتابدار در طول تاریخ، پیوسته نقش رابط اندوخته‌های بشری را با خواستاران و پژوهندگان معرفت داشته است و کار او با سرعت روزافزون گسترش دانش و هنر و استقبال مردم برای مطالعه، پیچیده‌تر و ضروری‌تر شده است.^۸

کتابداران بخصوص در کتابخانه‌های پس از اسلام، سهم بسزا و عمیقی در اعتلای دانش و فرهنگ مردم داشته‌اند و در اداره کتابخانه‌ها و انتقال صحیح، وسیع، مناسب و سریع گنجینه‌ها و اندوخته‌ها به فرهیختگان

۱. دیوان اشعار مسعود سعد سلمان، به اهتمام و تصحیح مهدی نوریان. اصفهان: انتشارات کمال، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۱۲۵، ج ۱.

۲. فرهنگ نفیسی.

۳. قرآن کریم - سوره حجر - آیه ۲۲

۴. از اصطلاح «خزانة‌الکتب» و «دارالکتب» برای کتابخانه استفاده می‌شده است.

۵. گنج هزارساله کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی قبل و بعد از انقلاب. رمضانعلی شاکری. مشهد: کتابخانه آستان قدس، ۱۳۶۷، صفحه ۳۶.

۶. چند سند تاریخی درباره پروین اعتصامی، علی کریمیان، مجله ادبستان، شماره ۴

۷. از چاپخانه تاکتابخانه. قاسم صافی. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۸، ص ۲۰۲.

برای پیشرفت جامعه بشری نقش برجسته‌ای ایفا کرده‌اند. نام بعضی از کتابخانه‌های قدیم ایران که بعضی از آن‌ها از کتابداران برجسته‌ای نظیر «ابن مسکویه» و «مسعود سعد سلمان»⁹ برخوردار بوده‌اند، به این شرح است:

کتابخانه مشهد رضا در جوار حرم مطهر امام هشتم (ع)، نظامیه در نیشابور، صاحب بن عباد درری، عضدالدوله دیلمی در شیراز، ابن عمید درری، نوح بن منصور در بخارا، رستم بن علی در طبرستان، غزنویان در غزنه، نظامیه در بغداد، قلعه الموت و رشید و طواط در خوارزم، رصد در مراغه، ربع رشیدی و مسجد جامع گواشیر در بردسیر، آل خجند در اصفهان، بقعه شیخ صفی در اردبیل، رکنیه در یزد، بوطاهر خاتونی در ساوه، خاندان شوشتری و کتابخانه‌های سلاطین تیموری و صفوی و...¹⁰

کتابداری در ایران معاصر

اصطلاح «کتابداری» در ایران عمری به کوتاهی عمر دانشگاه تهران دارد، یعنی کمتر از صد سال. درواقع پس از علمی شدن حرفه کتابداری و رشد و مطرح شدن آن به عنوان یک پیشه فرهنگی مستقل و نامدار که نقش پشتیبانی از آموزش و پژوهش و ترویج فرهنگ مکتوب را در کشور ایفا می‌کند. این اصطلاح جانشین تعبیر سنتی «خازن‌الکتب» در سرزمین ما گردید.

علم کتابداری چنین تعریف شده است:

- کاربرد دانش کتاب‌ها و کاربرد اصول، فنون و نظریه‌های مشخص در ایجاد، نگاهداری و سازماندهی و استفاده از مجموعه کتاب‌ها و دیگر مواد موجود در کتابخانه‌ها و همچنین گسترش خدمات کتابخانه؛ کتابداری نام حرفه کتابداران است.

- دانش و تبحری که مربوط به اداره کتابخانه‌ها، مجموعه [موجود در] آن‌ها، اقتصاد کتاب و کتابشناسی است.¹¹

و در تعریف «کتابدار» چنین گفته‌اند:

- کسی که با داشتن دانش کتابداری، به کار کتابداری و امور فنی آن اشتغال داشته باشد.

- بطور اخص به رئیس کتابخانه اطلاق می‌شود،¹² یعنی کسی که مسئولیتش مربوط می‌شود به اداره کتابخانه، محتوای آن، انتخاب مواد نوشتاری و غیرنوشتاری، سازماندهی و خدمات‌رسانی آن.¹³

در حوزه مفهومی کتابداری نوین، شاخه‌های جدیدی در دایره این تعبیر جان گرفته‌اند؛ نظیر: کتابدار مرجع، کتابدار محقق، کتابدار مشاور، کتابدار اطلاع‌رسان، کتابشناس، کتابدار فهرست‌نویس، و ... که همگی گویای تخصصی‌تر شدن روزافزون شاخه‌های مختلف علمی و مهارتی این رشته می‌باشند.

برای مثال برخی از این تعابیر را شرح می‌دهیم:

کتابدار راهنما:¹⁴ کتابداری است با تجربه، دانش دوست، کتاب‌خوانده، با فرهنگ و مؤدب که مأمور راهنمایی خوانندگان در امر انتخاب کتاب و ترغیب مراجعان متفرق و گهگاهی، به استفاده دائم و منظم از

این عز و شرف گشت مرا رتبت والا
گر تازه مثالی شود از مجلس اعلا

¹. دارالکتب امروزه به بنده است مفوض
پس زود چو آراسته گنجی کنش من

دیوان اشعار مسعود سعد سلمان، به اهتمام و تصحیح مهدی نوریان. اصفهان: انتشارات کمال، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۱۲۵، ج ۱، ص ۸۷.

^۲. دایرة المعارف فارسی غلامحسین مصاحب. تهران: امیرکبیر، کتابهای جیبی، ج ۲، ص ۲۱۷.

^۱. پوری سلطانی و فروردین راستین. اصطلاحنامه کتابداری. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۲، ص ۲۴۳.

^۲. مقایسه کنید با معانی خازن‌الکتب.

^۳. اصطلاحنامه کتابداری. ص ۲۴۱.

کتابخانه است. این کتابدار همچنین نتایج مصاحبه‌ها و گفتگوها را یادداشت می‌کند، با مؤسسات آموزشی و فرهنگی ارتباط نزدیک برقرار می‌نماید و از همه امکانات برای بهبود وضع خواندن و استفاده روزافزون از کتاب بهره می‌گیرد.¹⁵

کتابدار محقق:¹⁶ کتابداری است که وظیفه اصلی‌اش جمع‌آوری اطلاعات و مواد از داخل و خارج سازمان می‌باشد، اطلاعاتی از منابع مکتوب، اشخاص و سازمان‌هایی که در زمینه معین صاحب‌نظر و معتبر هستند. این گونه کتابداران معمولاً در زمینه مورد تحقیق خود، دارای تخصص و واجد درجه دانشگاهی می‌باشند.¹⁷

کتابشناس:¹⁸ کتابداری است که به مطالعه شکل مادی کتاب‌ها و مقایسه اختلافات موجود در چاپ‌ها، تحریرها و نسخه‌ها به منظور تعیین تاریخ تحول متن‌ها می‌پردازد. بنابراین کتابشناس بیشتر به توصیف مشخصات ظاهری کتاب‌ها می‌پردازد،¹⁹ اگرچه گاهی با مطالعه متن نسخه‌ها، شواهدی به دست می‌آورد که برای تعیین ویژگی‌های کتاب‌های بی‌نام و نشان مفید است. معمولاً این واژه برای نسخه‌های خطی و نادر به کار می‌رود. اما در مفهوم عامتر، واژه کتابشناسی شقوق بسیار مختلفی دارد، از جمله کتابشناسی توصیفی، کتابشناسی موضوعی و تحلیلی، کتابشناسی گذشته‌نگر، کتابشناسی انتقادی، تطبیقی، و... شایسته است در همین جا به نام چند تن از مشهورترین کتابشناسان ایرانی اشاره شود:

آقابزرگ تهرانی صاحب «الذریعة»، ایرج افشار، علینقی منزوی، محمد تقی دانش‌پژوه، احمد منزوی و عبدالحسین حائری.

همچنین کتابخانه‌ها امروزه به بیش از ده نوع گوناگون، با وظایف متفاوت تقسیم شده‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: کتابخانه ملی، کتابخانه عمومی، کتابخانه دانشگاهی، کتابخانه آموزشگاهی، کتابخانه تخصصی، کتابخانه سیار، کتابخانه روستایی، کتابخانه ویژه نابینایان، کتابخانه دیجیتال، و... از طرفی امروزه یک کتابدار باید مهارت‌های فراوانی را برای انجام درست وظایف خویش فرا بگیرد. کتابداری نوین مبتنی بر دانشی پیچیده است که تا مقطع دکتری در بزرگترین دانشگاه‌های جهان تدریس می‌شود.²⁰

علم کتابداری در عصر الکترونیک با علم اطلاع‌رسانی درهم آمیخته شده است و اصولاً در هیچ جا این دو علم از یکدیگر جدا نیستند. برای مثال به نام دایرة المعارف بزرگی که در همین موضوع اخیراً در مصر به چاپ رسیده است توجه کنید:

الموسوعة العربية لمصطلحات علوم المكتبات و المعلومات و الحاسبات؛

Arabic Encyclopedia of library, information and computer terms

احمد محمد الشامی، سید حسب‌الله؛ قاهره: المكتبة الاکاديمية، 2001م؛ 3 جلد (2360 ص) (قطع

رحلی).²¹

امروزه کتابداران در حوزه‌های متنوعی نقش ایفا می‌کنند که وجه مشترک تمامی آن‌ها تلاش برای

⁵ پوری سلطانی و فروردین راستین. دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی. تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۹، ص ۳۴۲.

¹⁶ Research librarian

¹ همان.

¹⁸ Bibliographer

³ پوری سلطانی و فروردین راستین. اصطلاحنامه کتابداری. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۲، ص ۲۴۵.

⁴ برای اطلاع از گستره بسیار وسیع و پر دامنه علم کتابداری لطفاً مراجعه فرمایید به کتاب «دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی»، پوری سلطانی و فروردین راستین. تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۹، ص ۵۳۰.

¹ ترجمه عنوان به فارسی: دایرة المعارف عربی اصطلاحات دانش کتابداری و اطلاع‌رسانی و کامپیوتر

توسعه مرزهای دانش و حفظ و سازماندهی و انتشار اطلاعات برای رساندن آن به نیازمندان حقیقی (که یکایک افراد بشر هستند) می‌باشد.

ابزار ارتباطی الکترونیکی و اینترنت و شبکه‌های مختلف دانش گستره‌ای به تدریج برگ زرینی از حیات آگاهانه و روبه‌تکامل و سعادت را بر روی تمامی انسانها می‌گشایند.

کتابداران اینک با مواد گوناگونی ارتباط دارند: کتاب چاپی، کتاب خطی، سند و مدرک، مقالات، روزنامه و مجله، نوار، فیلم، عکس، نقشه، میکروفیلم، میکروفیش، اسلاید، سی‌دی، اینترنت، و حافظه‌های عظیم رایانه‌ای، بخشی از موادی هستند که در مجموعه‌سازی و خدمت‌رسانی مورد توجه کتابداران می‌باشند.

با نیم‌نگاهی به شرح وظایف بخش‌های قدیمی‌ترین کتابخانه‌پایدار ایران در طول تاریخ که امروزه عظیم‌ترین و مجهزترین و پیرامنه‌ترین کتابخانه ایران هم هست (یعنی شبکه گسترده کتابخانه‌های آستان قدس رضوی) درمی‌یابیم که حرفه کتابداری در جهان معاصر و در ایران اسلامی پا به مرحله‌ای بسیار متفاوت با مراحل پیشین وجود خود نهاده است.

امروز دیگر وظیفه کتابخانه نگهداشت کتاب نیست، بلکه کتابخانه نهادی است اجتماعی که با گردآوری، سازماندهی و نگهداری دانش مدون بشر امکان رشد اندیشه، شکوفایی استعدادها و باروری ذهن خلاق انسان بویا و جستجوگر را فراهم می‌نماید. از این رو با توجه به گسترش روزافزون علوم و فنون در زمانها و مکان‌های مختلف که موجب برجسته‌شدن نقش کتابخانه در دسترسی آسان همگان از آسانترین راه‌ها به اقیانوس دانش بشری می‌گردد، موجب تعادل و تکامل و تبادل افکار انسانها می‌گردد، و بستر مناسبی را برای مفاهمه و گفتگوی بین فرهنگ‌ها، ادیان و تمدن‌ها و ملل گوناگون فراهم می‌نماید، لازم می‌آید که پیشه کتابداری به شیوه‌ای نو بازنگری و تعریف شود.

در دوره جدید حیات فرهنگی ایران که امید به نوزایی و بالندگی فرهنگ و تمدن درخشان ایرانی - اسلامی در دل‌ها جان تازه‌ای گرفته است به دلیل اهمیت دانش و آگاهی و اطلاعات در دوران تازه حیات فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی کشور، شایسته است توجه خاصی به نقش دانش و پیشه کتابداری از سوی تمامی دست‌اندرکاران و مدیران و برنامه‌ریزان آموزش و پژوهش و فرهنگ کشور معطوف گردد.

ویژگی‌های کتابدار در عصر جدید

اینک با عنایت به آنچه گفته شد و با تمسک به ویژگی‌های یک کتابدار در عرصه خدمات اطلاع‌رسانی و دانش گستره‌ای در عصر جدید تلاش می‌کنیم با ارائه یک کلمه جدید به جای واژه کتابداری، از کاستی‌های مفهوم عنوان اصلی این پیشه بکاهیم.

ویژگی‌های کتابدار: فردی منظم، خوشرو، باوقار، متفکر، خستگی‌ناپذیر و جستجوگر، حقیقت‌جو، هوشمند، خوش حافظه، شکیبیا و پرحوصله، مستعد و علاقه‌مند به حرفه خود، به‌طوری که آن را یک وظیفه مقدس و سرنوشت‌ساز می‌داند و بدان افتخار می‌کند. پس او خود کتابدوست و کتابخوان است و از هر لحظه‌ای برای یادگیری و یاددادن و نشر دانش بهره می‌گیرد. هر دانستی جدید در نزد او گنجی است پربها، و علم، گمگشته نهان و آشکار او است.

کتابدار تشنه همیاری و همفکری بی‌چند و چون در راستای گشودن روزنه‌های جدیدی از آگاهی و دانایی بر اندیشه خود و دیگران است. او سفیر نور است و همواره کار خدایی می‌کند: الله ولی الذین آمنوا،

یخرجهم من الظلمات الى النور.²²

او با ذهنیتی فعال و با درکی صحیح و فکری منسجم و کلامی رسا و روشن و همتی والا، خود را وقف هدایت و راهنمایی جویندگان دانش کرده است.

کلمه دانشورز

بر این اساس اگر بخواهیم با لفظی جدید و مناسب، شخصیت یک کتابدار را معرفی کنیم و لباسی نو بر قامت او بپوشانیم به نظر می‌رسد کلمه «دانشورز» از شایستگی و زیندگی لازم برخوردار باشد. وقتی کلمه «دانشورز» بر زبان می‌آید، هر پارسی‌زبانی، ممکن است بی‌درنگ بگوید که فرق این کلمه با دانشور چیست؟

«دانشور» مرکب از کلمه دانش + پسوند دارندگی «ور» به معنی دانشمند و بسیار دانا می‌باشد. حضرت مولانا جلال‌الدین محمد بلخی در مثنوی معنوی این لفظ را زیاد به کار برده است: هین ز جاهل ترس اگر دانشوری، یا:

این طیبیان بدن دانشورند بر سقام تو ز تو واقف‌ترند²³

از کلمات مشابه آن می‌توان به: بهره‌ور، بارور، تاجور، هنرور و نظایر آن اشاره نمود.

اما کلمه «دانشورز» مرکب است از کلمه دانش + پسوند ورز

برپایه آنچه در فرهنگ‌های معتبر فارسی آمده، «ورز» کلمه‌ای است که بیشتر به عنوان پسوند به کار می‌رود، اگرچه بندرت به طور مستقل نیز کاربرد دارد؛ نظیر «ورزاب» به معنای گاو نر زورمندی که با نیروی او از چاه، آب می‌کشند؛

«ورزگر» یا «برزگر» به معنای کسی که کار و پیشه اصلی‌اش شخم زدن و کندن و کاویدن زمین برای کشت و کار است؛

«ورزش»، اسم مصدر کاشت، پیشه و بیشتر به معنای اجرای تمرین‌های بدنی مرتب که برای تکمیل قوای جسمی و روحی به کار می‌رود؛

«ورزیده» به معنای خبره، همگی این کلمات از بُن «ورزیدن» ساخته شده‌اند، و معانی مختلف این مصدر عبارت‌اند از: کاشتن و زراعت کردن، اندوختن، با زحمت چیزی را به دست آوردن، تلاش کردن و نتیجه گرفتن.

گاهی «ورزیدن» جزئی از یک فعل مرکب می‌شود؛ نظیر مهر ورزیدن، دادورزیدن، کینه ورزیدن، و تغافل ورزیدن که مرکز ثقل و نقطه اتکای تمامی این افعال «استمرار وقوع فعل» است. مثلاً مهر ورزیدن یعنی پیاپی از خود مهربانی بروز دادن.

گاهی «ورز» به عنوان پسوند فاعلی به کار می‌رود؛ مانند: «دادورز» به معنای «دادگر»؛ «آبورز»، به معنای «شناگر»؛ «اخلاص‌ورز» به معنای «بااخلاص»؛ «کارورز» به معنای «کارگری که مدتی را پیوسته در یک حرفه، تمرین و ممارست دارد».

و در مواردی همین پسوند فاعلی، مبدل به پسوند شغل و پیشه می‌گردد، مانند کشاورز، و دادورز (قاضی)، اینک کلمه «دانشورز» را به عنوان جانشینی برای کلمه «کتابدار» چنین معنا می‌کنیم:

¹. سوره بقره - آیه ۲۵۷ ترجمه: خداوند سرپرست و دوست مؤمنان است که آنان را از تاریکی‌ها برون می‌آورد و به سوی روشنائی رهنما می‌گردد.

¹. مثنوی معنوی، دفتر چهارم، بیت ۱۷۹۴.

دانش آموخته‌ای که حرفه‌اش کار اصولی و مداوم با منابع دانش و اطلاعات موجود در کتابخانه اعم از گردآوری، سازماندهی، نگهداری، استفاده و گسترش خدمات کتابخانه و مدیریت آن است و همواره می‌کوشد تا با دسترسی بیش از پیش به سرچشمه‌های علم، بذر دانایی را در کشتزار اندیشه‌های هم‌نوعان خویش بیفشاند و کرانه دید خود و دیگران را در میدان وسیع اطلاع‌یابی و دانش‌اندوزی گسترش بخشد. دانشورزی نام حرفه دانشورزان است.

ویژگی‌های خاص کلمه «دانشورز»

بر این اساس کلمه دانشورز از ویژگی‌های منحصربه‌فردی برخوردار است:

- واژه‌ای است اصیل؛

- با مسمای خود (یعنی کتابدار و پیشه کتابداری) کمال مناسبت را دارد؛

- تعداد حروف کتابدار و دانشورز با هم برابر و هر دو متشکل از یک اسم و یک پسوند هموزن ساخته شده‌اند؛

- تاکنون در زبان فارسی، به معنای دیگری به کار نرفته و پیشینه کاربردی ندارد؛²⁴

- دارای معنای ثابت و سرشار، و خالی از هرگونه ابهام یا رسوب‌های معنوی منفی است و از خلوص و

شفافیت مفهومی مطلوبی برخوردار است؛

- مشترک لفظی یا معنوی با هیچ کلمه دیگری نیست؛

- هموزن کلمه معروف «دانشمند» است، و بنابراین از غرابت استعمال هم به‌دور است؛

- دامنه پوششی گسترده‌ای دارد و قابل تعمیم بر همه کارشناسانی است که در حوزه‌های مختلف

اطلاع‌رسانی و دانش‌افشانی کار می‌کنند. بنابراین علاوه بر اطلاق این لفظ بر کتابداران می‌توان آن را بر تمامی کارشناسان مراکز اسناد، موزه‌ها، آرشیو مطبوعات، سمعی و بصری و اطلاع‌رسانی علمی نیز اطلاق کرد.

و ختم کلام آن‌که آغاز این کلمه زیبا با کلمه مقدس و آرمانی و آسمانی و فیض‌بخش «دانش» همراه

است، و کدام نام مناسب‌تر، باشکوه‌تر و پردامنه‌تر و الهام‌بخش‌تر از نام نیک «دانش».²⁵

منابع

صافی، قاسم. **از چاپخانه تا کتابخانه**. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات، 1378، 202ص.
سلطانی، پوری؛ راستین، فروردین. **اصطلاحنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی**. تهران: فرهنگ معاصر، 1379، 342ص.

سلطانی، پوری؛ راستین، فروردین. **دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی**. تهران: فرهنگ معاصر، 1379، 530ص.

نوریان، مهدی. **دیوان اشعار مسعود سعد سلمان**. اصفهان: انتشارات کمال، 1364، 2 جلد.
مجاهد، احمد. **دیوان حافظ شیرازی؛ نسخه فریدون میرزای تیموری**. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، 1379، 558ص.

نفیسی، علی‌اکبر. **فرهنگ نفیسی با مقدمه محمد علی فروغی**. [بی‌جا]: کتابفروشی خیام، 1355، 5 جلد.

¹ در مقاله‌ای از دکتر محمدحسین دبانی در نهمین شماره از فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی (سال ۱۳۷۹) در صفحات ۱۵ و ۱۶ در ارتباط با واژه «دانشورز» و به نقل از پتر دراکر چنین اشاره شده است: «پتر دراکر بر این باور است که مهارت جستجو در رایانه و شبکه‌ها برای رهیابی به مطالب باارزش آنقدر بااهمیت است که در دهه‌های اولیه هزاره سوم میلادی یکی از مهم‌ترین حرفه‌ها، حرفه‌ای است که وی شاغلان در آن را "دانش‌ورزان knowledge workers" می‌نامد.

¹ برای نخستین بار کلمه دانشورز در بهار ۱۳۸۲ به پیشنهاد این‌جانب بر عنوان نشریه داخلی شبکه کتابخانه‌های آستان قدس رضوی اطلاق گردید.

شاکری، رمضانعلی. گنج هزارساله کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی قبل و بعد از انقلاب. مشهد:
کتابخانه مرکزی آستان قدس، 1367، 276ص.
سیحانی، توفیق. مثنوی معنوی مولانا جلال الدین محمد بلخی. تهران: روزنه، 1378، 1302ص.
احمد محمد الشافی، حسب الله. الموسوعة العربیه لمصطلحات علوم المكتبات و المعلومات و الحاسبات.
القاهره: المكتبة الاکادیمیة، 2001، 2360ص.